نهج البلاغه و آگاهی از غیب

مؤلف: جعفر سبحانی تبریزی

بسم الله الرحمن الرحیم

نهج‌البلاغه و آگاهی از غیب

نویسنده:

جعفر سبحانی

ناشر چاپی:

روزنامه اطلاعات

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نهج‌البلاغه و آگاهی از غیب

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران۷۶-۴۲۵۸

سرشناسه: سبحانی‌تبریزی جعفر

عنوان و نام پدیدآور: نهج‌البلاغه و آگاهی از غیب سبحانی‌تبریزی جعفر

منشا مقاله:، اطلاعات (۴ اردیبهشت ۱۳۷۶): ص ۷.

توصیفگر: غیبگویی

توصیفگر: نهج‌البلاغه

توصیفگر: علی‌بن‌ابی‌طالب (ع، امام اول

گزارش امام از رویدادهای پنهان

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

آگاهی از غیب و گزارش امام (ع) از حوادث و رویدادهای پنهان و پوشیده، بالاخص جریانهائی که پس از شهادت وی رخ داد، یکی از ابعاد گسترده «نهج‌البلاغه» را تشکیل می‌دهد و مجموعا در این کتاب هفتاد و پنج خبر غیبی وجود دارد که اکثرا و یا مجموع آن‌ها تحقق پذیرفته‌اند.

خبرهای غیبی نهج‌البلاغه، گواه بر این است که امام، علاوه بر آگاهی‌های حسی و عقلی، از آگاهی سومی برخوردار بوده که هرگز نمی‌توان آن‌ها را از طریق ابزاری به نام حس و عقل کشف کرد. گزارش از غیب نشانه نبوت و یا رسالت نیست که از انتساب آن به امام وحشت کنیم، بلکه نشانه صفای روح و لطافت ذهن و تائید الهی است و حاکی از آن است که انسانی به چنان مقام و درجه‌ای رسیده است که می‌تواند مرزهای زمان را در هم شکند، و حوادث را پیش از وقوع درک و احساس کند، و یا مکان و حجاب ماده را در هم کوبد، و با حوادث دور از محیط خود، ارتباط برقرار کند و آن را لمس نماید.

رشد و گسترش علوم مادی، و فرو رفتگی انسان معاصر در مسائل طبیعی، تاثیر خاص در نحوه تفکر انسان نهاده و او را بر آن داشته است که همه مسائل را با قوانین مادی بسنجد، و آنچه را که با این میزان بسیار نارسا، تطبیق نکند انکار کند.

از نظر قوانین مادی، انسان محصور در مرزهای تنگ زمان و مکان، چگونه می‌تواند حوادثی را لمس کند که با او هم زمان و یا هم مکان نیست، ذهن انسان هرگز بسان اشعه ایکس نیست که برای خود حجاب و مانعی نشناسد و در دل اشیاء نفوذ کند و از ماوراء آن گزارش دهد و یا وجود انسان آنچنان گسترده نیست که، حوادث دور از زمان خود را مشاهده کند.

این گونه افراد علم زده فریب اینگونه قوانین مربوط به جهان ماده را می‌خورند، و به انکار یک سلسله مسائل برمی‌خیزند که برای خود میزان و سنجش خاصی دارند.

[صفحه ۲]

در این مقاله فرصت آن نیست که پیرامون امکان آگاهی از غیب ازنظر دانش‌های امروزه بشری، و یا از دیدگاه قرآن و اخبار اسلامی سخن بگوئیم از این جهت سخن را در اینجا کوتاه کرده و به اصل بحث می‌پردازیم و یاد آور می‌شویم که نقاط بحث ما را

در این مقاله، سه موضوع تشکیل می‌دهد:

۱- شاهراه‌های سه گانه معرفت

۲- دو نوع آگاهی از غیب

۳- نمونه‌هائی از اخبار غیبی که در نهج‌البلاغه وارد شده است.

اینک پیرامون موضوع نخست سخن می گوئیم. به طور مسلم زندگی هر بشری از «ناآگاهی» شروع شده و کم کم وارد محیط آگاهی می گردد و به تدریج روزنه‌هائی به دنیای خارج از ذهن پیدا می کند.

او نخست از طریق حواس ظاهری به حقایقی دست می‌یابد، سپس بر اثر تکامل دستگاه تعقل و تفکر، کم کم با حقائقی که از قلمرو حس و لمس بیرون می‌باشد، آشنا می گردد، و در نتیجه یک فرد عقلانی و استدلالی گشته و از یک رشته حقائق کلی و قوانین علمی آگاه می‌شود.

گاهی در میان افراد بشر «ابر آگاهانی» پیدا می‌شوند که از طریق الهام، از مطالبی آگاه می گردند که هرگز از طریق استدلال راهی به کشف آنها وجود ندارد.

از این جهت دانشمندان، ادراک بشر را به این سه نوع «ادراک توده مردم» و «ادراک استدلال گران و متفکران» و «ادراک عارفان و روشن بینان» تقسیم کرده‌اند.

تو گوئی ظاهر بینان به کمک حس، متفکران به مدد استدلال، و روشن بینان به یاری الهام و اشراق از جهان بالا، به کشف حقائق می‌پردازند.

نوابغ جهان، فیلسوفان و دانشمندان تائید می کنند که یافته‌ها و ساخته‌ها و پرداخته‌های بی سابقه آنان، بیشتر بر اثر جرقه‌های روشنی بخش و الهام آمیز، به ذهن آنان خطور کرده و سپس آنها به یاری شیوه‌های تجربی و یا روش استدلالی به پرورش و تکمیل و تحقیق آن مبادرت جسته‌اند.

شاهراه‌های سه گانه معرفت

اشاره

از این بیان استفاده می‌شود که بشر برای نیل به مقصود، سه شاهراه در اختیار دارد، توده

[صفحه ۳]

مردم غالبا از طریق نخست، و گروهی از راه دوم، و افراد انگشت شماری بر اثر تکامل روحی از راه سوم استفاده می کنند.

راه تجربی و حسی

مقصود از این قسم آن ادراکاتی است که از طریق حواس برونی وارد قلمرو ذهن می گردند. مثلا هر یک از دیدنیها و چشیدنی‌ها و بوئیدنیها و ... از طریق ابزار ویژه خود، در محل ادراکات ما قرار می گیرند و امروز اختراع تلسکوپ و رادیو و تلویزیون و ... کمک‌های شایان تقدیری به ادراکات بشر نموده و او را بر دور و نزدیک مسلط ساخته است.

راه استدلالی و تعقلی

متفکران جهان با به کار انداختن دستگاه تعقل و اندیشه، از یک رشته مقدمات بدیهی و روشن و ثابت در علوم، یک رشته قوانین

کلی خارج از حس را کشف می‌کنند و قله‌هائی از معرفت و کمال را تسخیر می‌نمایند. قوانین کلی علوم به قید کلیت، مسائل فلسفی و آگاهی‌های مربوط به خدا و صفات و افعال او، و مسائلی که در علم عقائد و مذاهب مطرح می‌گردد، همگی مولود دستگاه تفکر و نتیجه به کار افتادن نیروی عقل انسانی است.

راه الهام و اشراق

اشاره

این راه واقعیت شناسی سومی است که در وراء دستگاه حس و تقعل قرار دارد، یک نوع واقعیت شناسی جدیدی است که امکان آن از نظر علم و دانش قابل انکار نیست، البته نظام جهان بینی محدود مادی نمی‌تواند یک چنین ادراک غیر حسی و تعقلی را بپذیرد اما از نظر اصول علمی راهی برای انکار آن وجود ندارد.

توضیح

به گفتار یکی از روان شناسان، جنبه‌های تجربی، بوسیله حواس شناخته می‌شود و جنبه‌های عقلانی به واسطه اندیشه منطقی و ریاضی به مرحله ادراک می‌رسد و سرانجام بر اثر اشراق و الهام، جلوه‌هائی از ماورای حس و استدلال روشن بینی‌های برق آسا، و جرقه‌های روشنگر که ذهن حساس نوابغ، از آنها برخوردار است، به مقام رویت می‌رسند.
پرفسور «سوروکین» روان شناس معروف یکی از آن افرادی است که وجود سه شاهراه حقیقت شناسی را به روشنی تصدیق کرده و برای ادراک عرفانی و به اصطلاح
[صفحه ۴]
الهام، مقام و منزلتی ویژه قائل است و صریحا می‌گوید: نمی‌توان این راه را تخطئه و تحقیر نمود. مگر می‌توان آموزش گسترده ادیان بزرگ را یکسره به تقلید کوته بینان نظام ناچیز و بی حکمت شمرد، و برای آن ارزشی قائل نگشت؟
بنابر این می‌توان معرفت‌های سه گانه را به شرح زیر نامگذاری کرد:
۱- راه حس یا حس آگاهی
۲- راه عقل یا خرد آگاهی
۳- راه الهام یا دل آگاهی
امروز روانشناسی الهام را به صورت یک واقعیت روانی پذیرفته و آن را چنین توصیف می‌کند: ادراک ناگهانی، آگاهی بخش، توضیح دهنده یک باره و بدون مقدمه، که چو برقی لامع در صفحه ذهن می‌درخشد بی آنکه حتی غالبا پیشاپیش در باره آن اندیشیده باشد.
اهمیت و نفوذ الهام در اکتشافات علمی مورد تائید دانشمندان قرار گرفته است «البرت آنیشتین» که در سال ۱۸۷۹ دیده به جهان گشوده و در سال ۱۹۵۵ در گذشته است، با بسیاری از فلاسفه و عرفا هم آهنگ گشته و بسان برخی از دانشمندان اسلامی که الهام را کلید معارف می‌دانند، وی الهام را عامل پر ارج در اکتشافات علمی می‌داند.
در سال ۱۹۳۱ دو دانشمند شیمی دان آمریکایی به نام «پلات» و «پیکر» پرسش نامه‌ای برای تحقیقی درباره اهمیت الهام در کشف و حل مشکلات علمی، میان گروهی از دانشمندان شیمی پخش کردند و نتایج بسیار ارزنده آن انتشار یافته است.
یکی از دانشمندان، مورد سئوال را اینطور پاسخ داده است: در باره حل مساله‌ای کار و فکر می‌کردم، ولی در اثر اشکالات و ابهام

فراوان آن، تصمیم گرفتم که دیگر به کلی کار خاص به آن و تمام افکار مربوط به آن را کنار بگذارم. فردای آن روز در حالی که سخت مشغول کاری کاملا ـ از وع دیگر بودم، یکباره (فکر ناگهانی) مانند جهش برق، در خاطرم خطور کرد و آن همان حل مساله‌ای بود که مرا به کلی مایوس کرده بود.

نظیر این گزارش از «هانری پوانکاره ۱۸۵۴ -۱۹۲۵» ریاضی دان نامی فرانسه و بسیاری دیگر از دانشمندان طبیعی، ریاضی و فیزیک نقل شده است.

جالب توجه اینست که بسیاری از الهام‌های عامی که سبب کشف واقعیتی پر ارج شده است و نه تنها با اشغال و تمرکز فکری دانشمندان در زمان فعالیتشان ارتباط نداشته است، بلکه حتی با رشته تخصصی آنان نیز دارای رابطه نزدیک نبوده است. شاهد گویای این مطلب این است که مثلا «لوئی پاستور ۱۸۹۵ -۱۸۲۲» متخصص در شیمی بوده است که به کشف میکرب موفق شده است.

[صفحه ۵]

دو نوع آگاهی از غیب

آگاهی پیامبران و پیشوایان معصوم از غیب، بر دو گونه تصور می‌شود:

۱- بدون تعلیم الهی، آگاه باشند.

۲- خدای آگاه، به پیامبران تعلیم کرده باشد و امامان نیز هر کدام از امام قبل، و سرانجام از پیامبر آموخته باشند و یا خداوند از راه دیگری به آنان تعلیم کرده باشد.

دانشمندان شیعه همگی تصریح کرده‌اند که آگاهی پیامبر و امام از غیب، ذاتی و بدون تعلیم الهی نیست و به گونه دوم به تعلیم الهی است و کسانی که علم امامان (ع) را ذاتی و بدون تعلیم الهی بدانند و علم آنان را به گونه علم الهی بدانند از «غلاه» [۱] به شمار می‌آیند و اصولا این عقیده مستلزم شرک می‌باشد. در اینجا لازم است توجه خواننده عزیز را به مطلبی جلب کنیم:

با مراجعه به روایات و گفته‌های دانشمندان بزرگ روشن می‌شود که در زمان پیامبران گرامی (ع) و امامان معصوم (ع) و نیز در دوره‌های بعد، گاهی از واژه «علم غیب» علم ذاتی و بدون تعلیم الهی فهمیده می‌شده است و از این جهت در آیات و روایات و نیز در کلمات دانشمندان مکررا تصریح شده است که آگاهی پیامبر و امام از غیب، ذاتی نیست، بلکه به تعلیم الهی از راه وحی و غیره و یا آموختن از پیامبر و امام قبل است و اگر در برخی از احادیث آگاهی از غیب آنان نفی شده است، مقصود این نوع از علم غیب است.

و اینک متن برخی از روایات و گفتارهای دانشمندان:

یک بعد از پایان جنگ جمل، علی (ع) در بصره خطبه‌ای خواند و در ضمن آن خطبه از برخی حوادث آینده خبر داد یکی از یاران آن حضرت با تعجبی فراوان، به ایشان گفت: «لقد اعطیت یا امیرالمومنین علم الغیب.» آیا شما «علم غیب» دارید و این جمله اشاره به این بود که «علم غیب» اختصاص به خدا دارد زیرا خدا است که ذاتا به همه چیز آگاه است.

آن امام گرامی در پاسخ او خندید و گفت: «لیس هو بعلم الغیب و انما هو تعلم من ذی علم » ... اینکه من از حوادث آینده خبر می‌دهم «علم غیب» یعنی ذاتی و بدون تعلیم الهی نیست بلکه بوسیله پیامبر خدا (ص) به من تعلیم شده است [... ۲].

دو: یحیی بن عبدالله بن الحسن به امام هفتم (ع) گفت: فدایت شوم اینان (گروهی از مردم) عقیده دارند که شما «علم غیب» دارید. حضرت در پاسخ او فرمود ...: نه به خدا سوگند آنچه ما می‌دانیم از پیامبر خدا (ص) به ما رسیده و از آن حضرت آموخته‌ایم، «لا و الله ما هی الا وراثه عن رسول‌الله (ص)» [۳].

سه شیخ بزرگوار محمد بن، محمد بن نعمان مفید (متوفای ۴۱۳) می‌نویسد:

[صفحه ۶]

کسی را می‌توان به طور مطلق دارای صفت «عالم به غیب» دانست که علم او ذاتی باشد و از کسی نیاموخته باشد و علم هیچ کس جز خداوند بزرگ ذاتی نیست و از این رو شیعه معتقد است که نباید در باره امامان به طور مطلق گفته شود. بلکه باید توضیح داده شود که علم آنان مستفاد از امام قبل و از پیامبر (ص) و سرانجام به تعلیم الهی است. [۴].

چهار: مفسر عالیقدر شیعه مرحوم شیخ طبرسی (در گذشته ۵۴۸) می‌نویسد:

به عقیده شیعه کسی را می‌توان با جمله «عالم به غیب» توصیف کرد که همه غیب‌ها را بداند و علم او ذاتی باشد و هیچ کس جز خدا این چنین نیست و اما خبرهای غیبی فراوانی که دانشمندان شیعه و سنی از علی (ع) و سایر امامان نقل کرده‌اند همه از رسول خدا (ص) به آنان رسیده و رسول خدا (ص) نیز از خداوند آموخته است. [۵].

پنج: رشید الدین محمد بن شهر آشوب مازندرانی (در گذشته ۵۸۸) می‌نویسد:

پیامبر و امام از غیب آگاهی دارند اما نه به این معنی که علم آنان ذاتی باشد بلکه خداوند، بخشی از علم غیب را به آنان آموخته است، و عقیده به این که علم آنان ذاتی است و با علم خدا تفاوتی ندارد مستلزم شرک می‌باشد. [۶].

شش: کمال الدین ابن میثم بحرانی (متوفای ۶۷۹) می‌نویسد:

منظور از علم غیبی که جز خدا نمی‌داند علم غیبی است که بدون تعلیم و آموختن باشد و «علم غیب» بدون تعلیم، اختصاص به خدا دارد و جز خدا هر کس آگاهی از غیب پیدا کند به تعلیم الهی بوده است. [۷].

هفت ابن ابی الحدید معتزلی (در گذشته ۶۵۵) می‌نویسد:

ما انکار نمی‌کنیم که در میان افراد بشر اشخاصی باشند که از غیب خبر بدهند اما می‌گوئیم آگاهی آنان از غیب، مستند به خداوند است و خداوند وسیله آگاه شدن آنان را از غیب فراهم می‌آورد. [۸].

هشت: فضل بن روزبهان همان دانشمند سنی که در سده نهم و دهم می‌زیسته، با همه تعصبش در کتاب «ابطال نهج‌الباطل» می‌نویسد:

روا نیست درباره کسی گفته شود: علم غیب دارد، آری خبر دادن از غیب به تعلیم الهی جایز است و راه این تعلیم با وحی است و یا الهام، البته نزد کسی که الهام را یکی از راههای آگاهی از غیب می‌داند. [۹].

نه علامه مرحوم شیخ محمد حسین مظفر می‌نویسد:

علم خدا ذاتی است و علم امامان (ع) به تعلیم الهی است و هیچ کس نباید توهم کند که علم امامان (ع) مانند علم خدا است پس مانعی ندارد که بگوئیم امامان ذاتا علم غیب ندارند اما به

[صفحه ۷]

تعلیم الهی، از غیب آگاهی دارند. [۱۰].

ده علامه طباطبائی در تفسیر «المیزان» می‌نویسد:

خداوند ذاتا از غیب آگاه است و هر کس جز او از غیب آگاه باشد به تعلیم او خواهد بود و هر جا پیامبر (ص) آگاهی خود از غیب را انکار می‌کند و می‌گوید: علم غیب ندارم معنای آن اینست که مستقلا و ذاتا عالم به غیب نیستم و هر چه می‌دانم از جانب خدا به من آموخته شده است. [۱۱].

نمونه‌هایی از خبرهای غیبی نهج‌البلاغه

اشاره

خبرهای غیبی نهج‌البلاغه بیش از آن است که در این مقاله گرد آید، و در آغاز بحث یاد آور شدیم که در این کتاب هفتاد و پنج خبر غیبی وارد شده که اکثر و یا مجموع آنها تحقق پذیرفته‌اند، و ما برای ارائه نمونه، ده مورد را یاد آور می‌شویم:

شهر بصره غرق می‌شود

پس از این که جنگ جمل به پایان رسید و بصره فتح شد علی (ع) خطبه‌ای ایراد کرد که بخشی از آن، از خبرهی غیبی آن حضرت بشمار می‌آید.

فرمود: و ایم الله لتغرقن بلدتکم کانی بمسجدکم کجوجو سفینه...

بخدا سوگند شهر شما غرق می‌شود و مسجد شما بسان سینه کشتی (که بدنه آن در آب فرو می‌رود و تنها سینه‌اش روی آب ظاهر است) ددیه می‌شود خداوند از بالا و پائین به ای شهر عذاب خواهد فرستاد. [۱۲].

ابن ابی الحدید در شرح این کلام می‌نویسد:

بصره تاکنون دوبار در آب غرق شده است یک بار در زمان «القادر بالله» و بار دیگر در زمان «القائم بامر الله» طغیان آب‌های خلیج فارس این شهر را در آب فرو برد و از آن همه ساختمان تنها قمستی از مسجد جامع همان طور که علی (ع) خبر داده بود در میان آب دیده می‌شد و در این دو حدثه تمام خانه‌ها خراب شد و جمعیت زیادی غرق شدند. [۱۳].

معاویه بر سرزمین عراق مسلط می‌گردد

امیر مومنان (ع) خبر می‌دهد که او پیش از معاویه از دنیا می‌رود و معاویه پس از او بر عراق

[صفحه ۸]

مسلط می‌گردد و سپس می‌افزاید: انه سیا مرکم بسبی و لابرائه منی...

از شما می‌خواهد که به من ناسزا گوئید و از من بیزاری جوئید [... ۱۴] همان طور که علی (ع) خبر داده بود، معاویه پس از آن حضرت بر عراق مسلط شد و از مردم خواست که به آن حضرت ناسزا بگویند و از او بیزاری جویند و داستان اسف انگیز ناسزا گوئی به علی (ع) حتی در خطبه‌های نماز جمعه که از زمان معاویه به دستور او مرسوم شده بود در تواریخ ثبت و ضبط است. [۱۵].

از آنها ده نفر جان به سلامت نمی‌برند و از شما هم ده نفر کشته نمی‌شوند

در نبردی که میان امام (ع) و خوارج در کنار نهروان رخ داد امام پس از اتمام حجت، و بازگشت گروهی از آنان به صفوف امام، رو به یاران خود کرد و فرمود:

مصارعهم دون النطفه و الله لا یفلت منهم عشره و لا یهلک منکم عشره. [۱۶].

قتلگاه آنان کنار آب نهروان است بخدا سوگند، از گروه آنن ده نفر جان به سلامت نمی‌برند و از شما هم ده تن کشته نمی‌شود.

ابن ابی الحدید می‌گوید این خبر غیبی یکی از معجزات علی (ع) است، که نقل آن نزدیک به تواتر رسیده است و در نبردی که میان امام و خوارج نهروان رخ داد همه شاهد بودند که نه نفر از خوارج جان به سلامت بردند و از میان یاران علی (ع) فقط هشت تن به شهادت رسیدند. [۱۷].

مروان بن حکم حکومت بسیار کوتاهی خواهد داشت

مروان بن حکم در جنگ جمل اسیر شد و امام حسن و امام حسین از پدر عفو او را خواستند حضرت او را آزاد کرده، و سپس فرمود:

اما ان له امره کلعقه الکلب انفه و هو ابوالاکبش لاربعه و ستلقی الامه منه و من ولده یوما احمر. [۱۸].

آگاه باشید برای این مروان فرمانروائی کوتاهی است به مدت لیسیدن سگ بینی خود را. (این تعبیر کنایه از کوتاهی مدت فرمانروائی است) او پدر چهار رئیس است و امت اسلامی از فرمانروائی او و فرزندانش روز خونینی خواهند دید.

همانطور که آن حضرت خبر داده بود مروان به حکومت رسید اما حکومت او بیش از نه ماه طول نکشید و چهار فرزندش که یکی از آنها عبدالمطلك و سه تای دیگر عبارتند از: عبدالعزیز، بشر و محمد به ریاست رسیدند، عبدالملك خلیفه شد و آن سه والی مصر و

[صفحه ۹]

عراق و جزیره شدند.

و امت اسلامی از مروان و فرزندانش روزهای خونینی دیدند که روشن‌ترین گواه آن، ظلم و ستم و خونریزی‌هائی است که به دست حجاج بن یوسف خونخوار که از طرف عبدالملك مروان، والی استاندار عراق بود انجام شد. [۱۹].

جوان ثقفی بر شما مسلط می‌شود و هستی شما را غارت می‌کند

«اما والله لیسلطن علیکم غلام ثقیف الذیال المیال یا کل خضرتکم و یذیب شحمتکم » [... ۲۰].

آگاه باشید به خدا سوگند جوانی متکبر و ستمگر از طائف ثقیف بر شما مسلط می‌شود که سبزه شما را می‌خورد و پیه شما را آب می‌کند، کنایه از اینکه به جان و مال شما رحم نمی‌کند و همه را از آن خود می‌داند.

این جوان ثقیفی همان حجاج بن یوسف ثقفی خونخوار و ستمگر معروف بود که در ایام حکومت خود به جان و مال مردم افتاد و هزاران نفر را به قتل رسانید. [۲۱].

برنامه مهدی موعود پیروی از قرآن و هدایت است

«یعطف الهوی علی الهدی اذا عطفوا الهدی علی الهوی و یعطف الرای علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرای.» [۲۲].

هنگامی که مردم هدایت را پیرو هواهای نفسانی خود قرار دهند، مهدی موعود (ع) می‌آید و هواهای نفسانی را مغلوب نظریات تابع قرآن می‌دهد برنامه آن حضرت حکومت قرآن و هدایت است. [۲۳].

اگر بخواهم از همه خصوصیات شما خبر دهم می‌توانم

«والله لو شئت ان اخبر کل رجل منکم بمخرجه و مولجه و جمیع شانه لفعلت و لکن اخاف ان تکفروا فی برسول‌الله صلی الله علیه و آله » [... ۲۴].

به خدا سوگند اگر بخواهم می‌توانم از همه خصوصیات هر کدام شما، که از کجا و چگونه و به چه هدف آمده‌اید و چه تصمیم دارید و خصوصیات دیگر خبر دهم. اما می‌ترسم درباره من غلو کنید و مرا از رسول خدا (ص) بالاتر بدانید و یا به خدائی من معتقد شوید و این عقیده موجب کفر شما شود. ابن ابی الحدید در ذیل این کلام می‌نویسد: این گتفار علی (ع) مانند

[صفحه ۱۰]

گفتار حضرت مسیح است که می‌گفت: از معجزه‌های من این است که: «و انبئکم بما تاکلون و ماتد خرون فی بیوتکم» [۲۵].

شما را از غذائی که در خانه می‌خورید و از آنچه در خانه ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم. [۲۶].

زمانی بیاید که از اسلام فقط نام آن باقی بماند

«یاتی علی الناس زمان لا یبقی فیهم من القرآن الا رسمه و من الاسلام الا اسمه مساجدهم یومئذ عامره من البناء، خراب من الهدی ... » [۲۷].

روزگاری بیاید که در میان مردم از قرآن جز خواندن و قرائت، از اسلام جز نمی‌ماند، در آن زمان مساجد از حیث بنا و ساختمان معمور و آباد است، اما از جهت هدایت و معنویت خراب است (مسلمانان به اسم اسلام و قرآن اکتفا می‌کنند و رفتن به مساجد هم جنبه تشریفات به خود می‌گیرد در صورتی که اسلام و قرآن باید در متن زندگی آنان حاکم باشد.)

خوارج پس از من با خواری و ذلت زندگی خواهند کرد

«اما انکم ستلقون بعدی ذلا شاملا و سیفا قاطعا و اثره یتخذها الظالمون فیکم سنه» [۲۸].

آگاه باشید پس از من با ذلت همه جانبه و شمشیر برنده و استبداد روبرو می‌گردید اموال و حقوق شما را ستمگران می‌گیرند و این در باره شما برای همیشه معمول و رسم می‌گردد. همانطور که امیر مومنان (ع) خبر داد خوارج پیوسته از طرف حکومت‌ها مورد تعقیب قرار گرفته و اموال آنان پیوسته از طرف ستمگران تصاحب می‌شد. [۲۹].

از هر چه سئوال کنید خبر می‌دهم

«فاسالونی قبل ان تفقدونی، فو الذی نفسی بیده لا تسالونی عنی شئی فیما بینکم و بین- الساعه ... الا انباتکم » [... ۳۰].

در این خطبه امیر مومنان حدود آگاهی خویش از غیب را بیان می‌کند و می‌فرماید: از هر چه که تا قیامت پیش می‌آید سئوال کنید جواب خواهم داد و از هر نبرد و جنگی که پیش می‌آید و خصوصیات آن، تعداد افرادی که کشته می‌شوند یا می‌میرند و اینکه در کجا کشته می‌شوند و کجا به خاک سپرده می‌شوند از همه این‌ها آگاهی دارم. [۳۱].

این بود ده مورد از خبرهای غیبی امیر مومنان (ع) که در نهج‌البلاغه آمده است.

پاورقی

[۱] غلاه، کسانی هستند که امامان (ع) را از دایره بشر بودن خارج دانسته و برخی از صفاتی را که اختصاص به خدا دارد بر آنان ثابت می‌دانند.

[۲] نهج‌البلاغه خطبه صد و بیست و چهار، شرح نهج‌البلاغه ابن میثم ج ۱ ص ۸۵ -۸۳ و ج ۳ ص ۱۴۱ -۱۳۸.

[۳] امالی شیخ مفید ص ۱۴ چاپ نجف، و نیز ذیل روایتی همین مطلب را تائید می‌کند: «نحن نعلم انک تعلم علما کثیر اولا ننسبک الس علم الغیب » ... چند نفر از یاران امام صادق به آن حضرت می‌گویند ما می‌دانیم شما علم گسترده‌ای دارید اما در عین حال شما را به علم غیب نسبت نمی‌دهیم یعنی شما را با جمله «عالم به غیب» توصیف نمی‌کنیم. اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۷.

[۴] اوائل المقالات ص ۳۸، بحار الانوار- ج ۲۶ ص ۱۰.

[۵] مجمع البیان ج ۳ ص ۲۶۱ و ج ۵ ص ۲۰۵.

[۶] متشابهات القرآن ص ۲۱۱، مضمون کلام ایشان نقل شد.

[۷] شرح نهج‌البلاغه ابن میثم ج ۱ ص ۸۴ و ج ۳ ص ۱۴۰.

[۸] شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۴۲۷.

[۹] دلائل الصدق مظفر ص ۲۴۳ چاپ قم.

[۱۰] علم الامام ص ۷ و ۴۷.

[۱۱] المیزان ج ۲۰ ص ۱۳۲ –۱۳۱.

[۱۲] نهج‌البلاغه خطبه ۱۳. نوشته صبحی صالح صفحه‌ی ۵۶.

[۱۳] شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۵۳ چاپ بیست جلدی.

[۱۴] نهج‌البلاغه خطبه ۵۷.

[۱۵] به شرح نهج‌البلاغه ج ۴ ص ۱۲۸ –۵۵ مراجعه شود.

[۱۶] نهج‌البلاغه کلام ۵۹ نوشته صبحی صالح صفحه‌ی ۹۳.

[۱۷] به شرح نهج‌البلاغه ج ۵ ص ۱۳ –۳ مراجعه شود.

[۱۸] نهج‌البلاغه خطبه ۷۲.

[۱۹] به شرح نهج‌البلاغه ج ۶ ص ۱۴۸ –۱۴۶ مراجعه شود.

[۲۰] نهج‌البلاغه خطبه ۱۱۶. صفحه‌ی ۱۷۴ صبحی صالح.

[۲۱] شرح نهج‌البلاغه ج ۷ ص ۲۸۱ –۲۷۶.

[۲۲] نهج‌البلاغه خطبه ۱۳۸.

[۲۳] شرح نهج‌البلاغه ج ۹ ص ۱۳۸ مراجعه شود.

[۲۴] نهج‌البلاغه خطبه ۱۷۵. صفحه‌ی ۲۵۰ صبحی صالح.

[۲۵] سوره آل عمران آیه ۴۹.

[۲۶] شرح نهج‌البلاغه ج ۱۰ ص ۱۵ –۱۰.

[۲۷] نهج‌البلاغه، کلمات قصار شماره ۳۶۹، صفحه‌ی ۵۴۰ همان کتاب.

[۲۸] نهج‌البلاغه خطبه ۵۸، صفحه‌ی ۹۳.

[۲۹] شرح نهج‌البلاغه ذیل همان خطبه.

[۳۰] نهج‌البلاغه خطبه ۹۳، صفحه‌ی ۱۳۷ صبحی صالح.

[۳۱] به شرح نهج‌البلاغه ج ۷ ص ۵۷ مراجعه شود.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹